

له لا يهن دهسته

نوسه ران ده رده چی

آبونه مسان

یه کاله ۱۵۰ ریال

شش ماهانه ۸۰

دانه ۱

کور دستان

پلاو کهرباده بسیری حزبی دیمی کرانی سکور دستان

۲۰ نوبین ۹۶

۱۳۶۵ ارجب

۱۳۶۵ جوزه مردان

قالی توجیهی آغای قوام السلطنه و آزادی خواهان

سالی ب کم ۴ شمعو ۲۹

سکور دستان بو خوی داوای حهقی خوی ده کا

دو زمانه هی (آنها) خوبی پرورند
جین بعد از درون اندی کور دستانی

زمانه ۳۳۳۸ میتوانندی (تصدری)
تویی به (چنان) پروردیدند

پروردیدند (که) دهند خوشبیگی
کور دستانی بخواهند مدعی توشن جو نکو

ده که نهند و دهند موسی :

لهم ان لذاتن امو آزادیه بخون

کور دستانی دهندی دو خوان که روده

زرو و دی پلک کردند و همه بند و پیش و

ایک زندگی سیاستی پر از تاباو دهیں
پیشانی ملوبیکا :

ایستاده که دوی دوی (چچ) خود را پر کنند

سوزور خیزیکی رون و جول کردنی

ایرانه کور دستانی دهنده که کار خود را کردند

ایرانه کور دستانی دهنده که دیکه، بلام

حکومه شی ایران بعسیران دادند قوم و

رایزی شدند ایوان امو آزادی، به آفرینی

ادمی ابر و رومان ده لذتی رو و سه که روده

ماوه لام ابره ۲

سوزریت و خویان

رد و شه فکری ۰

میلان محمد مجدد

نم رو زاندا نه لخویشندی

دستان په لاهاري مر تجمعين !!!

یه هوی دنگو باسی که همچو، ۳ - دو فرود که، شکاره و

کبسته رو جواری چندمدم رو زی سوتله ۰

۴ - مهاریکی زور نهند و مهاری

و سرمازانی به موزه کان امچیه، فیله لانه مسلسل و مجهش که و نه

شقی به ماده طلایه و تانکو شو، و مه لایان هیزی کور دستانه و نه بنا

پلاماریکی زور سه طیان بو هیزی ۱۱ - سنس بر شماره بیون و شمعه دم

دسو کرانی کور دستانه نه بناه و هیزی تندی زبانه شان در اهسته لام لام

کور دستانش ایده ایده نه دست در تجهیز بیونه ۰

دایمیز کاری که دنیا زانی که ملوبی

هه دو دنیا زانی که ملوبی راسته قی و مهتو کرمه کور دستانه نه

لایان هیزی کور دستانه نه بلاماری

منجهه مراده را دوی جه نکی زور

سرمهتو لایان هیزی کور دستانه نه

چکه لام دست در تیزک نه کراوه

ده لام نه ب شتر مانده کمال نه موش

زیسته ده ایوان و زانی که داوهه نه بزیبی

کور دستانه نه بزیبی ۱ - لعیانی هزار کمس

آذینه بیان خیزی کی نه تر کیزی

زیست که ون بون

رد و شهان فکری

امام محمد محمود
برایان خوش بیست .
اعمومی روز زور بود بلام هیئت‌لای
هم و وزیر معاون دیویستم ذاتی که
زور کس ویا کهنه‌ها بوسیت‌بکی
هدیتک لعنتشند و زانی بدور که
تیغتی بیانه ، و میلات تیغه اعلام
نایخ لعنه‌ایزیک بیدسته نکد میانه
و آنگزی خوبی همه ، بلام آیا به
چند علاوه دار .
خواندن نه کار همان دین که ایشان
رموشمن نکری دوو بیش .
سفرچار او راهنمای ، زانی همینی
خواندنی تیغتی دو شارطیان بیدا
هاده و بروشانه زانی که کی آنرا میله
حضرتی همیو شنیکه نهاده و
زانی همیو آنکه بیانه پلاخر میانی
دوی همراه که کی آنرا میله که میله همی
نیوش ایشان بیسوزنیکی عذر منی
سووچ کار از ایزیک بیشکه .
لیره دامن نه کار و بدهم دویزیم
بیه بدهم اندی بیشان دویزیم .
که خونده بیسوزنیکی شوی .
ماله باید . ۳

مسئله‌ی کورد

دیکتاتوری برخان دهانی نه ده
شکننده کی میان کورد
چی تجربه کنندان بان بونی میله‌های
آذربایجان ایشانهایانه بیو که باز کاره
درمان میله کوره کی بدریمی
سیاستی دانیابی شنیکی بیزه بیشانی
معظمنان ایوه که قیمه سیاستی
حکمکاری خوبی میله کوره دهانی
آذربایجان بکرت دلیلشیم بروه کو
دینیان لکه‌روی شهودی ایزربایجان
هرچی شنیکه بولانی آذربایجان کاری
لویله‌تی کوره دش کاره اهداف سیاست
دمست بیه کرد قدره میله
کرکو .
لایانه بیمه حکمکاری
طیران . ۴

داغ‌التوون وزانی کداویه بزرسی
بلام ده بی شفته‌انه که کل نهاده
نه مدنه دای و جان ده کل کوره دستان
و آذربایجان خنیکی کفتون کوی
کوتراوره بدار .
دوه کوون بون
ملوکه لایه . ۲

دهنگ و باسی حافظه

دهنگ و باسی لهم‌حاتمه دادا
درمه کوی ... میله دادا .
کان ییکه میان کرا و بوزنمه‌ی
یهان دوچفتیه بی ایمگنی دایرو .
رهبری طیران چند روزه اتفاقی
روز نهاده را بیو کانی دنیا لام میله
ماحتات و قاعده هردو ولای بمهانی
نه ده دوان چند روزه دم میله
کیاندرو . بخانی روز نهاده بیکمان
دوپساره کوتونه سفریان . هاتی
آذربایجانه دهند و دهند ایم بجهان که تو
آنگی مظفریرو معلویتی نخست
نیزی حکومتی طهران بیوریز
لایسن آگاهی بیش‌مری و آگاهی
منظر فیروز هردو سه روکی شنیده
پیش نهاده ایانی بیانی میاحتانی
کانی بیوریز و طهران اعنان کران .
کویا حکومتی سهان لجه
آذربایجانی قوام‌السلطه لایهان هردو .
متخاری ایزربایجان موافه و اینجه‌نی
ایشان وولايانی باشتنی و امطری نه بی
یک و مقهم حاسل بیو : و بعد
۳۵۳ میانی ایزربایجان شنکل ده درخت
دولو بلا کراوه کفتونی دوباره
کویون دهان هدی اهدافه میله
ماحتاتی بیوریز شنیکی کوتوربری
نه بیو .

ماحتاتی بیوریز : هر و کو
بیمان دیار کووت آذربایجان مظفریروز
هدیتی له کل آگاهی قوام‌السلطه له دهی بلام بیزاری اینه بیچافتانی
تمال دابوو ، میاحتات بیش هم
داخلی دهارت .

ماده‌ی لایه‌ری ۱

از ای خواره همانین ویساز وایه خوریکی گوهدی
آشی کورود آذریاچون و گشت نهاده و کنی
بران پیش وله بیش نومانه شیرچه چوکی
سته مازو او ریخته زدن سرمان وورز ماده
که کنم دارم از ای ای ایه دهستوری چه زبانه دیسان
هر ساله دهینیان لعله کوهه توینه ای خوت
دو کوکن ای ای ای ایه ملکه بیروت دهیکی آذریاچون
ده کلکن کورود آذریاچون خوشیکی گلکن گلو
دهی لعله کی تریته واهه همانی دددی که
خوردووی سنت بلاده ازی بو جهیزی دیده گرن

پیشی - ستم کارهای پیچیده و اتفاقیه جاده اسنه به کسی
پردازد چه کنم ؟
اگر کسی می بدمست تو دره هیزی دیموده کرات
خانلی و خاندوی ؟ دیارده خانلی و خاندوی
من و دست له آمانچی خوانه هستن لگرن
دست آزادن لکم سعو شموده ایران
لهه موزه هنن .
اگر کسی پدستوری جهاتی نیمه ؟ بزانه
کارهای پیچیده و اتفاقیه جاده اسنه را
که اینها را بردازد چه کنم ؟

که عصمه ران و سفر را درد هشت بیان می کنند
بر خواهان سفر و مخون و پلکو بدر و دودله مس
هاندن اهل ترجیح فریاد خوار و میخ و بدستور مس
و اوان اهل ترجیح فریاد خوار و میخ و بدستور مس
بچاره اهل ترجیح که کوششان دلوان و شفرو و روی
ایش و ایشان چاومردی او اوان و به نامه استی کی و
آغاز قوام اسنادله به همین ترتیب حاکمه کوته
مرسته کان رسیده زده زیارت خارلاند بعده
ادرستی و درستی حقوقی نهاده کانی ایرانی
کردیل کرونون بدری . هو رو داشتتوانی
سکران و سیستان و بلوچستان ده گمل نیمه هاو
منگ و نهنچی ایمه مقدس نبو دهدن . مات رسه
موادوتی مستی راست گردتووه و ددانی ده
پیچیده و مرد و مها ایستاو تاونکی دی مستی
دوی دوموشی لاهدر کوسی بنا ده لایقینه و نهاد
جهیز هیزت خوی لمبر و اوان اگری . هم گلرم
که ایشان ایشان که ایشان که ایشان که ایشان

قانو دو جهاد جواهري پرور داودوهه همچيزی
گوره دستان سلام دواني شهريري گشم و مذک
پوري گاهيكن هميچي گاهي خوبون گير توم و
هه گاهي زيناتيكي روز و پيشتريه و درسانيه گهاي
نهادهه دواني و خوبان هه گونه گههان گيشتاوه
سعده .

نمودیم که درین دهم روز از آنکه سلطان علیه گذشت
کوئی نیزه را که ایشان را آذربایجان و تاراز نه
بودند که کوئی نیزه را و خبرسکن یوسفون پستن
آذربایجانی داشتند و همچو علیه که ایشان را نهاد
آنها را میخواستند و دیدند و بیرون کردند ایشان را همچو
آذربایجانی و ایشان را خوبی کردند ایشان را
آنها را میخواستند و دیدند و بیرون کردند ایشان را همچو
آنها را میخواستند و دیدند و بیرون کردند ایشان را همچو
آنها را میخواستند و دیدند و بیرون کردند ایشان را همچو

گو و شیراز بسیاری دهش و شن و دزد
هر دن نمود و چاری نهاده که دوزن
لای او بکردند میان دشی گلو و دستانی گله
باقی آمد اینها بسیار ده دهانی خوبیدا
او سوده ران بکرد و بخوبی شرارت به کش
آورده و همانی دهانی گمسدانه آیا ایندی
زادی خواهیان دیا اجز میاندن گاهیانه لومی
ر متعابن بخوبی مانده موسسه بدسترس
امن و قدرتی خوبیانان لی یک پنهانه
اشکرایه ته گافر نهاد پیش شمار بواه
ن و خاطر نهان حلقی مث و عمان بدهن دچاری
آن که هیزی نهاده که درستاتان لی بان نایروی
دمهاریان لدو و گذگار درد بینی
ایمه لام تیلیدعا که کرد و دهانه آدم زو ووی
اگری کردی حقی هیچ گفه و هیچ ملت و
ولیلیک مان نهه تهان دهانه ای خود مان اه المخواهان

کورد هه ربو خوی داوای

۱۵۰۵ مارچ

میرزا نویقق فراز سیاوشکی که در می کورده
کوئیه کوردیا و میان بعینه بیلاریک انداده ده (لایانی هنچند)

نم باهه بینیکه توسرایه بلام بیوه ایستا جوانی
هدینه و چونکو وحشت و زدهانش نصدیمان ده کا .

آگلابی- نوسوانی (العمری) از دزد و ایه مهندو کس
نه وادیزه خودانه کا ایوه له و میان فربونان بن و لیهوم
ریقین هر لیکانه جوں گریو اندست فـ شـهـی آزادی
لـیـلـاـزوـ بـنـشـانـ بـیـرـسـتـیـ هـرـ دـاـ پـیـشـتـیـهـوـهـ بـیـوـهـ تـوـرـاـ اـبـمـعـشـ
خـوـانـ بـرـجـوـهـ وـنـدوـ قـیـاسـ هـدـ کـنـ درـ وـهـدـانـ کـسـورـهـ
واـهـرـدـوـیـ سـوـوـرـ پـشـکـهـ دـوـیـهـ هـدـ سـیـلـهـ اـعـدـهـ بـهـقـنـدـ

و می ایم. ایوه باید این ایمه و آذربایجان به هوی به منشی پیش از شروع
آنند بود. و دلایل من روی بدرور فراموش نمیم، که درین
ترساآموه و تهدیدشترسی دنیادههای ای کوچه دهه آزادیومو هم
کار و دینهایش همی: که گر هر دهه آنهاست در رویه ایست
بیو در رویه هله بایست سدهای کی خنکی دنیا بازه می
کردان.

ایمه دعاشین فیر کراون وابشان بیدن که قیامی
به پهناندان رووس به ودای رومشتنی بهوان ده ترسین
آن زاییوه کورده جو جوی بهومینه ولهم منته ومه لبنده دا
وچوچه تحریکانه نمیوه وندنهشی کورد بولخوی دواوی
رادی ده کا وحاشتی نیشان فروشی به واسلا کوئی به
پیشی و بعنان دان کلک کردن لقا مووس آزادی خوازی دانیه
و نکو آزادی خواز بوقارانجی هیلهست و مدهانی خموی حمدون
دا بلام کوی اهمست بو شری میله است و بشتمان و قفارانجی
دالک تشمک

مکران و سیستان و پلوچستان ده گلول تیمه ها
دهان و پشت آبده بمقصد نیو یورک بدین . مات به
تهران مسقی راست کرد و در روز دیگر
سیزدهم برداشتم ایشان را با خودی کی دستی
خوب داشتند و همان روز کمی بدین داشتند
و همچنان خوبی لذت برداشتند . راه اگر
دو لیکشن پنجه داشتند و همان روز خودان
درازد و درست شفافیت نهادند که این روز
پیش از آغازی باشد از این روز خودان
سازی خواهد شد و همان روز شفافیت
دو زمانه داشتند ایشان را با خودی کردند
و همچنان خوبی داشتند .

ایشان را با خودی کردند و همان روز شفافیت
دو زمانه داشتند ایشان را با خودی کردند
و همچنان خوبی داشتند .

سوپاس

اهنگ خوش بود آشای احمد صوفیزاده
بویانی روزنامه گزاری کور دستان
و متمنی کاری شماره اول نهمده که ماموی
روز ده ۱۵۰ ریال روزنامه گواری
بر فروشی سوپاس ده کمیون نکاره کمین
گشته بی بزرگی معرف کوش نمودانه که
را بینند و طبله نهادند از کاری بکار

تسا

نه کنیدی مجنی نبغدمق نه کنیده که بن
بیوی روزنامه گواری که نهاده کن این جهه
بیویان پیش و ماده طبله عات نهاده آشای
اصحه صوفیزاده بی براو بدین .

نه باباد - چاچخانه‌ی
کور دستان

درستی زهانی کور دی

۵۵ رسی پیشتر خود قدم

پاری

پاری پرس شدن فیض
آشیه بله نهودری . جلو شارکی بیویان
پاری جلو شارکی زور شویه
مانه کان آشیه بله نهودری ده کهن
پرسف و پرس جزوی بیویان شارکی
پرسف لسدالی ایش میویان

چروونی حضرتی

پیشوا بو سهارا روزی ۳۶۰ ر ۱۳۲۲

راشیوی کور دستان و ملکی دا که حضرتی
پیشوی کور دستان آنها بر زرده بجهه دی دی
سردا و ده کشن سفریب زرم آراء گفتند
گوکان بوروه پایستا خیریکه بیویه کان
را بکار دستورانی پیویسانی بو صادر
ده نه موی .

آزادی ده کا و حاضری نیشان فروشی نیه و اسلام کویی
مسی و بهان دان کار کردن لقاوسی آزادی خوازی دانیه
خونکو آزادی خواز بوقاچانی مبلغه و مطهی خسی حوال
دهد . بلام گویی اهست بیشتری مبالغه و بیشتری وقارانچی
خالک نیه کوشی . دباره گذاسیستی کاری تمهیی آزادی
خوازی نیعو و مطهی فروش .

ایه دهزابن بیشان واویه بیوچتنه فیشانه بالجه
هلده آسی و تاخیر خوی بیهوده کار ده کاره که جی نهاده
بیجیان نهون و نهوا ده گلک خلاصه معمقی نه کار کری
که خوش و آتشی بیرونیه .

بیچکه امش ایه که گل هدوه میلانی ایران
خوان بیرا دهزابن باله نهاده بیش اهستی خوان
بیشان آخري بخوانم ده اخونه داده سایر و حسنه
خوانم و مزده گری و انتاجیکی بخچو و ده ایه
و هم جوړه فلماش ناخنهاشین .

ایه ده اهستی بیاسوکی دیمو کسرا یه ؟ زین
نه کویی دهزابن بیه و بیه و ده کسی نهاده
رسه سهده که وی و ناکوونه سوري (اطق و ولاشیه ایه) .
خنکانه ده و بیه نهک جایانی کور دی بعده اه
اندازیکی دا که اهله اه اینه آزادی بدین دارم، قنییکی
که وزیره .

کمبکی بی ده بعست و بیلا تقوه هه که دشی
حقوقی نهاده بی ده لایه هدرو اهسته تویی و ده بیه و ماده اه نهک
تویی خلابالا و لون بیه نهانی رکیب لایی ده ده و مختکنی
روزی آزادی و دیمو کراسی دیای و نهک کرد و ریکاری بر است و
چوت ده ده که و ماده دهی ظالم تیجیوی نیه . بظالم ای :

سوق تری اذالتی اقبالی

میللهت و خویندن

ماوهی لایهره ۱

من لفلاخی کورد دلوا ناکم که آبینه دارون
د تی پینی اشتین بزانت . وله مادوستای کورد داوانا کم
که ، اسولی زیانی هیرو گلپی بزانی و له تجاري کورد
داوانه کم که آوازی بیتیون بزانی . وله موظافی کورد
داوانا کم که دیاتی بسودا بزانت . بلام له کم توهمشدا
که دزمانه زور مدهن تنهها نهومان نی داوانه کم که
هدرجی بدانی اقتصادی و سیاسی و کوچه لایهنهو هلاقه دار
بی بیزان . و درجی کار دکانه شیوهی کار کردنیان و
رسکای زیان و علاقه دان ییکمه هی بیزان .
بنی گومان میللهت فیر گردن و راهیانی که اهمیت
یدانه مسائلی عمومی خوی له مهمترین شه بو بسمر کوچتی
قضیهی آزادی توایی دنیاه .
لهدهی که بیویسته هدهمهان بیزان و همسنی
بنی بکین بعثایه نی که ایستا ایه . لمسندهای روزی سرمهجنی
و آزاد کردنی بیشتمان دابن . چونکه هیچ میزان لاهیزی
بیز مردمی میللهت بیوقوف تریه که کوه که آزادی و سودید
خویی ایمهی برابرگیری .

چونکه له گور جامده خوندیکی میانی و سیاسی
و کوچه لایه نی فیر گردا . یعنی به گور جامده کلکی سرمهجنی
زانی ، ادویگای تیکوشین بوسمر بخوبی شاره زاری بیدا کرد
که بریکی بیندار نهیدانی شعردا که بخوی
نایاره که بخویه عالی ده گری فخریکه بخوی .
و لای بقین بو که که که بخوی بو سمر بخوبی بیوسته و
و زانی که دوزمانی سرمهجنی توانه ای که دیدانه میللهت
ا که کنار گیری داری میزونه خوبی میانی دا بیسته و بو
نهوهی له بیست و بده که سرمهجنی توانه خوبی بنی هاش کن و باخود
توانه ای که دیدانه میزونه خوبی میانی دا لواز بست . و له گور
جامده هستی بدانه کرد وزانی تهوده مداده زانی و ده توانی که
جهون سدرمهجنی مبارزی وله که اشت این و ناخذ شتر هن و مخدنا

روز

ام که تاریخی دایرمه بروتومه میلی دا یعنی تو و بو

میوه‌ی له پیت و پیره که نی سدره خویان بیش کون و با خود

خوانانی که دبلانوی سرد و خویان لواز بیت . به که

چاهمه هستی بواهه کرد و زبانی نهوده مدغزانی و دمدتوانی که

چون سوده خواری پارزی واه کرانشین و ناخوش ترین و مختدا

بیکاری دنوانی دفاعی ای مکا .

نه که رجی زور جاریستونهان که ساست بازی وال و رانی

وولان . بلام لمحقندنا زمانی و قی نه که بشنی ساست له

لابن جامده مال را قیمه نهک ساست بازی .

وا پدرور ده که ده کرم که که خوندواری و سکانی

پلانو که دنومه بدم دو سیه همترین بورجه استن که دنمه هوی

سی سوادی میلات بدره لسته ، که دور کوته و کلار سکری

خوند واره کانهه لعوبلنت . و هر ره طادر ور که کوته دنیار

کردنی همترین قیمه دی جامه . وزوریان خوبان هاویشته

دمربای ادبی خیالی و رمنکیک اه شومه کی سوده خوبی

فکری ، نه که بشنایان بیز کوته شده کان و با خود

فرسه که رگنکی که درزی بر استنی دوزه مهربه

هوی به کارهه بیانی له لابن زایونه کانهه و دوسار

و داشت ده کن پیت دایرمه بیر کردندومهان له جاوندواری

طیسی شتمانیان * دمناجی . بلام باسی اه داشتوانی شاخ ،

و زایکوشن بو آسوده کی نه داشتوانی بیسان و ایه که بهه

شیک بوزانا لاق نه که باسی ای مکا .

خوندن و روشون فکری بسوزه هستی عدوی

نهانها سکرمه بیز موږیلا و دانلیک و شکی بی سکورین

نه که بتوانی فرسخ خوی له همه ده بیکدا نه دهه بیشکو تویی

شارسانی و کورشی زیان دا بارزی . به کویه بیچوانه

نهه کومهه زانی و بیز موږه که که اه شارستانیه و

ونده کری . مثلا ازمانی شپر و بیز و رهه خوندن و

و باساده که کی تا کېښهه هچ دهیک بیز

خاونهه که کی تا کېښهه هچ دهیک بیز

یاله چه دېنکه بیکو نهانها کلک لوهشانه

و زرده گرین بی شوده چاوا په دهه

شامدا ، لهه دهه کامبلات هچ توانا و تاویکی نه بیز

همو پهه کلک کهه تهانه که کهه وه که آرسته هی

جنی سکری دوزه منه ده که و دهه قیش ای .

دانلکی سکری دوزه منه . خویش باکی زومه

و ایزاجیکارانه بشروا و بسد ها له هاروی .

کانیان هاواره مان ده کهنه بیز نهانه

هه مو کیهیان خلخت . دیمو سبین سکونی ده

و ادهه کیهی نهوده که سباهیک جاریک کوی درینه

له حاونهه که کیهی به کری ده کری و هر ده کیان

ده جهن بوضاریک نه . والهه ختنکا که بدریکاوه

بون سایحه که له کهنه که ده خواری زوریش

دنیا که ده نهیه بیزه بیان بخوا ، و سنته له

سیه هری کوی درینه که دانیشی حاونه کیهی دربر

منه کرده زیب کوت « من تهانه کوی درینه

کم به کری داوهی سیه هری سیه هری کهنه کم له

سکل دا هاتوونه که کردوی » سایحه که وونی :

بهانی من کهنه کم ای به کری کرتوی سیه هری

کهنه کم دهش هزینه کلکو له بدرهه و ده قم تیدا به

که استادهه لی سکم » .

بیش نهوده که دیهونه سکانه

که کیهی ته او بکا له سدره میهه که هاونهه

ده دنکه دهه که له لکه دهلهانه کهنه کهنه

داویانه کیهی کرده که حسکانه که کیهی ته او بکا

بویهه ویه بیان کهنه کهنه و دهه

و دهه کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

و دهه کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

دیهانه دهه کهنه کهنه و دهه

کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

کهنه کهنه و دهه کهنه کهنه و دهه

میلهه و نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه نهه

کور دستان

زمانه ۶۰

شور دستان

لایبره ۴

کوچکرایی وزیری اموری خارجه
له ۱۵ نونه لیبارس کنوده نهنه ، پول اسلام
کوچکرایی بوده ذور شیان آمداد . کردوم
کنترل گویی لی بیکن یک نهنه مسلمه
امایا به ، ایده هم کوچکرایی وزیری
خارجه به کوچکرایی بوده ذور شیان و مهی
شدتیه یونی خلاصی به احتمال دوزا
تین به کسر جی راهیسوی تندن
جهند رویله بوریش دلی - نه گله راهه رهاری
شیکن ، گیشهنه اتفاق بو ۲۱ دهولت ده بیرد
را دیوی ندن اویار یه کات گمده جلسه به
لیاتمه بلام اینه تمویزه - لاحصلن خواره دهانی
تاریخ اسماهی بوریش دهانی بوریش دهانی
کیکن بادت خواره کان و بیمه دهانی بوریش دهانی
هزیره باتی استماری دهانی
در شرکی گوچکرایی بکن و حکمه بکن
را کبر اراده و مهیوه ، کنترل گوچکرایی بکن
باخته ایستاده بکن و بیمه دهانی بکن
کنترل نه بکن و بیمه دهانی

لام جهاتیدا - اتفاقیه بکن اسه بین
بیو غرساوا کیا و دهولتی شوره وی بسراوه ،
نهن اتفاقیه دهیته غرساوا کی زور بیمه و مهی
نهن اتفاقیه تازه بیو غرساوا کیا ، و مهیه ایتی شتم
و ولهانه لم پیمانه زور باید و مهیه گیری
په گوره شتم بیمانه دولتی شوره وی شتم
اسلحجه دهانه بیو غرساوا کیا -
هرروا بعینی بیو غرساوا کیلو طیجه کا

محاجی همو فردیکه فردیش محاجی روشون فکری
واسوادیه ، بخوشن . ببه رسی باراستی وولات هر خونه دهند .
هد سواده ، هدر زاینه . هدو رو که میانه کوره دی .
ابوهده هر برآکن بی خوشکانی بمشاف آزادن و دهولتی دیمو کراسی
هیچ در کایه کی فیریونی اهایوه دانه حسته . بخوشن
بیان دنیای همورو گیشهنه بیمه دهانه حسته . بمهیانی
نهومی پاسی شاق و درو دله بیمهنه ته و وک جوانه
بفیرو بدهی چوا کلمه قیریه همو کلمه کی صد
دوردی خوت و چاره پی فیمار ده کمی .

هیلهت و خویند

زمانه ۱۷۲ - ۳۰ ر ۳ - ۱۳۲۵
چاکرین موادی نفت و بتنین و
ماشه جات مخصوصی ایران سو نفت له
زمیه کور دستان واقع اهایاری شقی جامی
داودی ۴ قمهنه ذور مناسب و هدر زان
همیشه برفوشی حاضره .
ش کنی ترقی کور دستان -

دهنگ و باسی حه فته

طبق قانونی اساسی ایران دور همه دی خوی و در
گرفته . جاهه رس و ایه تهبا لد آفریجان بی بهنکو
له همه ایران سریلا . جاهه کدر بعم چشممه که نه انسای
مالی همو گور دستان ایران بیکن زور به آسانی
بومان دیار ده کمکوی که کوپره و مهی نهند سالانه مان
بسخار نهیمه و کیت بنه سرامو آماتجی خوان .
نگه دنی ایه تاکو . وستا هدر هنده بیمه ایه بزویانی
خوان نه ده شوند ، بیگانه دهانه دهونه حاکمی ایه
میش لطفیق نه کردنی قانونی اساسی و ده گل اصول
دبمو کراسی جانه که راهه همو ایران قانونی اساسی به اینی
طبق بستکت منایه ومهی کنه کرمانیش ولمنش

دانشگاه مهندسی ایران سو قت له
شوهی کورستان واقع اهانباری نقی حاجی
دایودی ۴۰ قیمتی زور مناسب و هم زبان

ش رکنی ترقی کو ز دستان -
عده دامپی مینی .

$$d_0 \approx d$$

و مسکو و له جیه و ولام گیشتم دهم
شیری دولانی که که گردی دی ماده شا روی
داره و دوزن به ۳۰ هزار کس و سه هزار پهلوانی
جنایات و آنکه توپ و طبله از رض و آسمان شنبیو ایوان
لدوزن که کرده تهیا بھری ۳۰ کس لهر ایانی
با زانی دسته نی هله فرقه به سه رو کی برای
ظاهر مان مصطفی خوشحال چو اباب در امداده و
دوزن به گلور او برونداری کی نزد موه کشیده
و هر دواوه و الاهاب حشرتی پیشوای نعمت صادر
بره - کجهه ۲۷ کسی نهاده رگاره کن که که کی
له وان برای خوش بیوست محمد قادری به میدانی
قهرمان شد

پی رائگہ پیشون

روزی ۳۳ ر ۳ ۲۵ آنچه امروزی
نهیں مدیری کی گئی گفت بینی را گامشتن
بدارو ایشانی گلش آنی نالهده شد . خدا .
بینی با لایش چو و دل انداختی آنچه میدادم
کیانی سعور کن گفتند میخان نهادند و مهدید
بری ایشانی سعور کن گفت آنچه ایشانی
گست کن له درو بودی و ادایه . باز از ایشانی
سعور دی پنهانی ایشان و دشانته کرد که

دەپىنەن ئەڭىزىرى كەن بە ئاسان وازى ئەمىز تاشقۇرى
بۈچىنى بېرىجىن كەردىنى مەتالىيەن مەلسەتى ئەم
كايىتلىكى مەلاسى يى دەۋى دەپى ئەستەن بايدىل
امما ئەنگىزىكى زۇر بېھىزىر بەمەلات ھەپى ئەسەت
لە ئەگىنەن سەقلى ئاشا زۇر بېسۇر دەپىنەن
استھارى ئەڭىزىرى راستھارى ھولانىد
و حەكىمكەن كۆنە بەرسىتى چىيان كەن شىئىت
چىيان دەجۇددىن حەكمەتىي مەلانى ئەندۇشىدا بەھەنەل
دەزان ئەن بولاردىن ئەم حەكمەتەن آزاد خواھى
مۇاھەرمۇ بىلان دروست دە كەن ، سەم ئەن
دا لەشكىرى ھولاندا گۇوا ھوي آمازە دە كەن
بېھىزىر بىردىن سەرپىز جىزىرىدە جىوان . . .
أىچە ئەمۇ زۇر بېھىزىر بەزەن ئەن ئەسەت

وادەر دە كەۋى ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك
ھەممەسى بېزايىل كەن ئەن كەن كۆرەتلىك ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك
پەنلىك ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك
اشخاب دە كەرتەن طەرف ئەمەنچەنەن ئەنچەنەن وولايەتى
اپىك مەركىز انتخاب دە كەرت وەلە طەرف ئەنچەنەن ئایاڭتى
پەن ئەنچەنەن قەرىپەك بەسەرپى كەن ئەن ئەن كەن كۆرەتلىك
ھەر وە كۆ عمرىم كەردىن ؛ ئاققاچى ئەذىز بايچان
وطېران تەنبا مشەمولى مەلتى ئەذىز بايچان ئاكەتكەن
كۆرۈشىش خاتارەمنى ئەنۋەرلىك ئەنۋەرلىك ئەنۋەرلىك
ھەممۇ كۆرۈدىك ئەم روزانەي روزى شادى ئەنۋەرلىك
بەختلىرى . . .

پوتمام کردنی مالایی کوره کوسیمکان نه بیش
دهمینی هم کوسیمیش تهوده که انجمنه تانی وولا یعنی
کورستان تمثایل یک انجمنه تانی همایه تی بیکن بوریشی دم
ساله هم زور استحال دیبه به آسانی تاقلم یکن چونکه
بوآیشی ایران نه گهر اندنه ذمجهته نانا آسان بکریت و
حکومته سرکزی طهران هم طالبیمان بداده دهی شدمان
دورست بکریت و لاؤ هدر و مک شنیک تهوده وایه چونکه
همه کورستانی ایران تمثایل زور چالان دهک و چاری سالاغ
ربیگانی پورونلا ایده کات و مهدو سو ریده بکه ایرو و دمیوی له
زیر یعنی میله ری پیشوای رهبران بدرقرار می
زینه منظر و معنیتی سیاسی و اقتصادی دویا و امان بتو
در یه گلدو ۰۰۰